

راهنمای مسلمان عابد در حکم نماز جمعه و جماعت در مساجد

ترجمه: «دلیل المسلم العابد في حكم صلاة الجمعة والجماعة في
المساجد»

تأليف:

عبدالعزیز بن محمد بن عبدالله العریفی

با مقدمه:

علامه عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمته اللہ علیہ

چاپ اول ۱۴۲۶/۱۳۸۴ھ

عنوان کتاب:	رهنمای مسلمان عابد در حکم نماز جمعه و جماعت در مساجد
عنوان اصلی:	دلیل المسلم العابد في حكم صلاة الجمعة والجماعة في المساجد
تألیف:	عبدالعزیز بن محمد بن عبد الله العریفی
با مقدمه:	علامه عبد الله بن عبدالرحمن الجبرین
ترجمه:	اسحاق دبیری <small>رحمته</small>
موضوع:	فقه و اصول - احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:	کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه حضرت شیخ علامه عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین.....	۱
مقدمه.....	۳
وجوب نماز جماعت در مسجد.....	۵
دلایلی از قرآن مبنی بر وجوب نماز جماعت.....	۵
دلایلی از سنت مبنی بر وجوب نماز جماعت.....	۸
چند روایت از صحابه <small>رضی الله عنهم</small> درباره وجوب نماز جماعت در مساجد.....	۱۲
ذکر اخبار و آثار رسیده از تابعین و کسانی که بعد از آنها آمده‌اند و همچنین اقوال مذاهب چهارگانه درباره وجوب نماز جماعت در مساجد.....	۱۳
واجب بودن نماز جمعه و مجازات کسی که از حضور در آن سرباز می‌زند.....	۱۵

مقدمه حضرت شیخ علامه عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

خدای یکتا را سپاس می‌گوییم. وبعد: این رساله را که دربارهٔ حکم نماز جمعه و جماعت است، خواندم. علاوه بر اختصار و ترک اختلافات و مناقشات درباره امور بی‌اهمیت، آن را در زمینه موضوعش مفید یافتیم. [شما را] به چاپ و انتشار آن سفارش می‌کنم. به امید آن که خداوند آن را برای کسانی که اراده فرموده است، سودمند گرداند.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه وسلم

به قلم

عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

۴۱۲۱/۲/۲ ه.ق.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ونصلى ونسلم على النبي الأمين
المبعوث رحمة للعالمين.

اما بعد یکی از امور تشدید کننده غربت دین، سبک شمردن و تنبلی در
زمینه نماز و عدم حضور در نماز جمعه و نماز جماعت می باشد. به گونه ای
که بسیاری از مردم، در خواندن نماز سستی می کنند و آن را به صورت
جماعت در مساجد ادا نمی کنند. حتی بعضی از آنها به نماز جماعت در
مسجد معتقد نیستند و آن را در خانه می خوانند.

از آنجایی که دلایل وجوب نماز جماعت و نماز جمعه را در کتاب و سنت
بسیار فراوان دیدم، بیان آن برای برادران نمازگزارم را نصیحتی و امر به
معروف یافتم. به همین دلیل آن را در قالب رساله کوچکی تدوین کردم تا
به آسانی در میان مردم منتشر شود.

از خداوند می خواهم که این عمل مرا بپذیرد و امیدوارم که این کار
خالصانه برای رضای او باشد و من، و والدینم و همه مسلمانان را مورد
مغفرت قرار دهد.

نگارنده:

عبدالعزیز بن محمد بن عبدالله العریفی

ریاض ۱۴۲۱/۳/۹ ه. ق.

صندوق پستی ۱۵۴۲۶۰ ریاض ۱۱۷۳۶

وجوب نماز جماعت در مسجد

برادر مسلمانم!

[در این روزگار] عده‌ای از مسلمانان را می‌بینیم که در زمینه خواندن نماز جماعت در مساجد تنبلی می‌کنند. علیرغم اینکه می‌دانند خداوند - سبحانه - در قرآن کریم درباره نماز سفارش فراوانی نموده است، و آن را بزرگ شمرده، و به حفظ و ادای آن به صورت جماعت امر نموده است.

دلایلی از قرآن مبنی بر وجوب نماز جماعت

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸]. «در انجام همه نمازها و [به ویژه] نماز میانه [یعنی عصر، کوشا باشید و] محافظت ورزید و فروتنانه برای خدا به پا خیزید».

همچنین خداوند سستی و تنبلی در زمینه به پا داشتن نماز از صفات منافقین به شمار آورده است و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَىٰ﴾ [النساء: ۱۴۲]. «منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آن‌ها را فریب می‌دهد، و هنگامی که به نماز برخیزند سر تا پای آن‌ها غرق کسالت و بی‌حالی است».

چگونه برای مسلمان رواست که در حضور در مسجد و ادای نماز جماعت سستی و تنبلی کند، در حالی که او می‌داند که دلایلی از قرآن و سنت بر وجوب نماز جماعت در مسجد دلالت دارد، که بعضی از آن‌ها را در این رساله ذکر می‌کنم.

از جمله:

خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾^(۴۲) خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهْقُهُمْ ذَلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ﴾^(۴۳) [القلم: ۴۲-۴۳]. «روزی را که خداوند ساق خود را برهنه می‌کند، و دعوت به سجود می‌شوند اما نمی‌توانند سجود کنند. (ساقی که به جلال و کمال او لایق است و به هیچ چیز شبهه‌ای ندارد»، در حدیث آمده که: پروردگار ما ساق خود را برهنه می‌کند، پس هر مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای برای او سجده می‌کنند، و کسانی که از روی ریا و سمعه در دنیا سجده می‌کردند، باقی می‌مانند و می‌روند که سجده کنند، پشت آنان (مانند تخته‌الواری راست می‌ایستد) و قادر به سجده کردن نمی‌شود. (متفق علیه)* این در حالی است که چشم‌هایشان (از شدت شرمساری) به زیر افتاده و ذلت و خواری تمام وجودشان را فرا گرفته، آن‌ها پیش از این (در دار دنیا) دعوت به سجود می‌شدند در حالی که سالم بودند».

و در روز قیامت خواری پشیمانی و حسرت آنان را فرامی‌گیرد. در حالی که آنان به سجده کردن خوانده می‌شدند، اما آنان علی‌رغم صحت و سلامتشان از انجام آن امتناع می‌کردند. پس به همین دلیل در آخرت، با عدم توانایی انجام آن [سجده] مجازات می‌شوند.

ابراهیم تیمی رحمته در تفسیر این آیه می‌گوید: آن‌ها به وسیله اذان و اقامت به نماز واجب فراخوانده می‌شدند.

سعید بن مسیب رحمته می‌گوید: آن‌ها «حي على الصلاة، حي على الفلاح» را می‌شنیدند و علی‌رغم اینکه صحیح و سالم بودند، جواب آن را نمی‌دادند. کعب الأحبار می‌گوید: «به خدا سوگند این آیه فقط درباره کسانی که از نماز تخلف کردند، نازل شد». پس برای کسی که نماز جماعت را علی‌رغم

توانایی برپاداشتن آن ترک می‌کنند، چه تهدیدی از این آیات، شدیدتر و واضح‌تر است.

از جمله دلایل دیگر آیه: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳]. «نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و با نمازگزاران [به صورت جماعت] نماز بخوانید».

شاهد اول: ﴿وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ نصی دربارهٔ وجوب نماز جماعت و مشارکت نمازگزاران در نماز می‌باشد. چنانچه قصد، فقط برپا داشتن نماز می‌بود، کافی بود که بگوید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾.

یکی از دیگر آیاتی که بر این امر دلالت دارد. این آیه می‌باشد: ﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلِتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ﴾ [النساء: ۱۰۲]. «هنگامی که در میان آن‌ها هستی و برای آن‌ها نماز جماعت برپا می‌داری باید مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند، نخست عده‌ای با حمل اسلحه با تو به نماز بایستند، سپس هنگامی که این گروه سجده کردند (و رکعت اول نماز آن‌ها تمام شد، تو در جای خود توقف می‌کنی) و آن‌ها با سرعت رکعت دوم را تمام نموده و به میدان نبرد باز می‌گردند و در برابر دشمن می‌ایستند و گروه دوم که نماز نخوانده‌اند، جای گروه اول را می‌گیرند و با تو نماز می‌گذارند، گروه دوم نیز باید وسایل دفاعی و اسلحه را با خود داشته باشند و بر زمین نگذارند».

وجه دلالت این آیه این است که خداوند ادای نماز جماعت در حالت جنگ را واجب کرده است، که این امر در حالت صلح به طریق اولی واجب است. اگر با فردی در زمینه ترک نماز جماعت مسامحه می‌شد، پس کسانی

که با دشمن می‌جنگند و مورد تهدید آنان هستند می‌بایست مورد اغماض و چشم‌پوشی بیشتر قرار می‌گرفتند، و اگر نماز جماعت مستحب بود، وجود عذر خوف [از دشمن] موجب جواز ترک آن می‌بود. چنانچه فرض کفایه بود، بی‌تردید می‌بایست با اقامه آن از سوی عده‌ای، فرض بودن آن از بین می‌رفت. پس بنابراین، نماز جماعت فرض عین است.

دلایلی از سنت مبنی بر وجوب نماز جماعت

در صحیحین به روایت از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند: «لقد هممت أن أمر بالصلاة، فتقام ثم أمر رجلاً فيؤم الناس، ثم انطلق معي برجال معهم حُزْمٌ من حطب إلى قوم لا يشهدون الصلاة - يعني الجماعة - فأحرق عليهم بيوتهم بالنار» «بی‌تردید خواستم که [مردم را] به برپایی نماز دستور دهم تا [نماز] برپا شود آنگاه به مردی دستور بدهم تا امامت مردم را [در نماز] برعهده گیرد. سپس با خود گروهی از مردان را که بسته‌های هیزم حمل می‌کنند به سوی مردمانی ببرم که در نماز [جماعت] شرکت نمی‌کنند و خانه‌هایشان را بر سرشان آتش بزنم»^۱.

فقط به خاطر ترک واجب، خانه‌های آنان با همهٔ افراد و وسایلی که در آن است، آتش زده می‌شود. حدیث (دربارهٔ واجب بودن نماز جماعت واضح است. زیرا چنانچه سنت می‌بود، تارک آن را به آتش زدن تهدید نمی‌کرد، و اگر فرض کفایی می‌بود، با برپایی نماز توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که با ایشان بودن فرض بودن آن از بین می‌رفت).

علامه ابن قیم رحمته الله گوید: هرگز ممکن نبود مرتکب گناه صغیره را آتش می‌بود، چون ترک نماز جماعت از گناهان کبیره است.

^۱ - بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند.

ابن منذر رحمته الله می‌گوید: (در اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله به آتش زدن خانه‌های کسانی که از نماز تخلف می‌کردند. بارزترین بیان دربارهٔ واجب بودن نماز جماعت وجود دارد. زیرا جایز نیست، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی را که از امر مستحبی یا امر غیرفرضی تخلف می‌کند تهدید کند.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که مرد نابینایی به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و گفت: «ای رسول خدا من کسی را ندارم که مرا به سوی مسجد راهنمایی کند و دست مرا بگیرد». و از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست که به او اجازه بدهد تا در خانه‌اش نماز بخواند، زمانی که برگشت از او پرسید: «آیا صدای اذان (دعوت به نماز) را می‌شنوی؟» گفت: بله پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پس به آن جواب بده»^۱.

از عبدالله بن ام مکتوم رضی الله عنه روایت شده است که وی به پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا، در شهر (مدینه) درندگان و حیوانات وحشی فراوانی وجود دارد، و من نابینا هستم خانه‌ام نیز [از مسجد] دور است. کسی را هم ندارم که دست مرا بگیرد. آیا به من اجازه می‌دهی در خانه‌ام نماز بخوانم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا صدای اذان را می‌شنوی؟» گفت: بله پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پس آن را اجابت کن. زیرا من به تو اجازه نمی‌دهم [این کار را بکنی]»^۲.

این مرد نابینا دربارهٔ مشکلات رفتن به مسجد و فقدان راهنما شکایت کرد، با این وجود پیامبر صلی الله علیه و آله به او اجازه نداد که در خانه‌اش نماز بخواند. پس چگونه ممکن است این کار دربارهٔ کسی که دارای چشمان و جسم

^۱ - مسلم آن را روایت کرده است.

^۲ - ابوداود، این حدیث را روایت کرده است که در صحیح سنن ابن ماجه به شماره ۶۴۴ وجود دارد.

سالمی است، جای هیچ عذر و بهانه‌ای نیست. به همین دلیل زمانی که از ابن عباس رضی الله عنه دربارهٔ مردی که در طول روز، روزه‌دار است، و در شب به شب زنده‌داری مشغول است، اما در نماز جمعه و جماعت شرکت نمی‌کند، گفت: اگر در چنین وضعیتی از دنیا برود، او در آتش است. فرد سؤال کننده پس از یک ماه دوباره این سؤال را از او پرسید، پس او دوباره گفت: (او در آتش است).

اگر نماز جماعت واجب نمی‌بود، ابن عباس رضی الله عنه درباره این مردی که این دو عبادت را با هم انجام داده بود، حکم دخول در آتش جهنم را صادر نمی‌کرد.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من سمع المنادي بالصلاة فلم يمنعه من اتباعه عذر - قيل و ما العذر يا رسول الله؟ قال: - خوف أو مرض لم تقبل منه الصلاة التي صلي» «کسی که صدای مؤذن را بشنود و برای عدم حضور در نماز جماعت عذری مانند ترس یا بیماری نداشته باشد، نمازی که [درخانه‌اش] می‌خواند، مورد قبول واقع نمی‌گردد»^۱.

همچنین از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من سمع النداء، فلم يأتيه! فلا صلاة، إلا من عذر» «کسی که ندای [دعوت به نماز، یا اذان] را بشنود، اما به سوی آن نرود، پس نماز او قبول نمی‌شود، مگر آنکه عذری داشته باشد»^۲.

^۱ - ابوداود، ابن حبان در صحیحش و ابن ماجه آن را روایت کرده‌اند.

^۲ - ابن ماجه در سنن آن را روایت کرده است. حاکم آن تخریج و درباره آن گفته است: به شرط صحیحین، صحیح است اما آن را تخریج نکرده‌اند. نگاه: المستدرک علی الصحیحین کتاب الصلاة (۲۴۵/۱).

علت دلالت این امر آن است که این حدیث صریح است. به گونه‌ای که نمی‌توان از شرکت در نماز جماعت سرباز زد، مگر آنکه عذری داشت، و در حالیکه سنت این گونه نیست. زیرا می‌توان بدون وجود عذر آن را ترک کرد. ابوهیره رضی الله عنه می‌گوید: بی‌تردید اگر دو گوش انسان از سرب مذاب پر شود بهتر از آن است که صدای مؤذن را بشنود، سپس جواب آن را ندهد.

از معاذ بن آنس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الجفاء کل الجفاء والكفر والنفاق من سمع منادي الله ينادي إلى الصلاة فلا يجيبه». «کفر، نفاق و جفای بزرگی است، اگر کسی صدای منادی خداوند را بشنود که به سوی نماز ندا می‌دهد، اما دعوت او را اجابت نکنند».

در روایت طبرانی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بحسب المؤمن من الشقاء والحیبة أن سمع المؤذن یثوب بالصلاة فلا یجیبه»: «برای مؤمن هیچ بدبختی و ناامیدی بزرگتر از آن نیست که صدای مؤذن را بشنود که مردم را به سوی نماز می‌خواند و آن‌ها را جمع می‌کند، اما او دعوتش را اجابت نکند»^۱.

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: کسی که می‌خواهد فردا - یعنی روز قیامت - در حالیکه مسلمان است، خداوند را ملاقات کند، پس باید بر این نمازهای پنج‌گانه که به سوی آن‌ها دعوت می‌شود، محافظت کند، زیرا خداوند برای پیامبرتان سنت‌های هدایت را مقرر فرموده است و اینکه آن‌ها از سنت‌های هدایت هستند و اگر شما در خانه‌هایتان نماز بخوانید، - همچنانکه این متخلف در خانه‌اش نماز می‌خواند - سنت پیامبرتان را ترک کرده‌اند و اگر سنت پیامبرتان را ترک کنید، بی‌تردید،

^۱ - احمد و طبرانی آن را روایت کرده‌اند.

گمراه می‌شود. در میان ما [اصحاب پیامبر] جز منافقی که نفاق او آشکار بود یا بیماران همگی در نماز جماعت شرکت می‌کردند. فرد بیمار را در حالی که دو مرد بازوان او را گرفته بودند، به مسجد می‌آوردند تا در صف برای ادای نماز جماعت بایستند^۱.

وجه دلالت این روایت آن است که تخلف از حضور در نماز جماعت را از علامات منافقان آشکار دانسته است، و از علامت‌های نفاق ترک مستحب و انجام مکروه نیست.

چند روایت از صحابه^{رضی الله عنهم} درباره وجوب نماز جماعت در مساجد

از امیرالمؤمنین عمر بن خطاب^{رضی الله عنه} روایت شده است که گفت: چگونه گروه‌هایی از مردم از نماز تخلف می‌کنند، پس به علت عدم حضور آنان گروهی دیگر نیز از حضور در نماز سرباز می‌زنند. پس یا باید در نماز حضور یابند، یا کسانی را به سوی آن‌ها می‌فرستم تا گردن‌های آنان را بزنند.

ایشان^{رضی الله عنهم} همچنین به سوی امراء در ولایات مختلف سرنوشت که مهم‌ترین امر شما در نظر من نماز است. پس کسی که بر انجام آن محافظت کند، در حقیقت دینش را حفظ کرده است، و هر کس آن را از دست بدهد، پس زیان از دست دادن آن از دیگر امور زیانبارتر است، و یکی از راه‌های محافظت نماز، اقامه آن به صورت جماعت در مساجد می‌باشد.

حسن بن علی^{رضی الله عنه} می‌فرماید: کسی که صدای مؤذن را بشنود اما به سوی آن نشتابد، نماز او از سرش تجاوز نمی‌کند [و بالاتر نمی‌رود]. مگر آنکه فرد، عذری داشته باشد.

^۱ - مسلم آن را روایت کرده است.

ابن القیم رحمته الله می گوید؛ (... کسی که به طور شایسته در سنت تأمل کند در می یابد که خواندن نماز در مساجد فرض عین است. مگر اینکه مانعی بوجود آید که به علت آن ترک نماز جمعه و جماعت جایز است. پس عدم حضور در مسجد - بدون وجود عذر - همانند ترک اصل جماعت بدون داشتن عذر است، و همه احادیث و روایات بر این امر اتفاق دارند).

ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها می گوید: کسی که صدای مؤذن را بشنود اما او را اجابت نکند بی تردید کار خیری را اراده نکرده است، و همچنین به وسیله او اراده خیر نشده است، مگر کسی که دارای عذری باشد.

از علی رضی الله عنه روایت شده است که گفت: نماز همسایه مسجد، جز در مسجد قبول نمی شود. از او پرسیده شد: همسایه مسجد کیست؟ گفت: کسی که صدای مؤذن را بشنود.

از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که گفت: کسی که صدای مؤذن را بشنود اما بدون آنکه عذری داشته باشد، آن را اجابت نکند، پس نماز او پذیرفته نیست.

روایت شده است که عتاب بن أسید رضی الله عنه که والی مکه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود گفت؛ به خدا قسم هر گاه مطلع شوم که یکی از شما از حضور در نماز جماعت در مسجد سرباز می زند، گردن او را می زنم.

ذکر اخبار و آثار رسیده از تابعین و کسانی که بعد از آن ها آمده اند و همچنین اقوال مذاهب چهارگانه درباره وجوب نماز جماعت در مساجد

عطا بن اَبی ریحاح و احمد بن حنبل - رحمهما الله - می گویند: حضور در نماز جماعت در مساجد فرض است. شافعی رحمته الله می گوید: معتقدم کسی قادر به خواندن نماز جماعت مسجد است، اجازه ندارد آن را در مسجد نخواند. خطابی رحمته الله می گوید: حضور در نماز جماعت در مساجد واجب است زیرا اگر

مستجب می‌بود، برای افرادی مانند ابن مکتوم و ضعیفان و ناتوانان دیگر ترک آن سزاوارتر و اجازه آن روا تر بود.

اوزاعی رضی الله عنه می‌گوید: نمی‌توان در زمینه ترک نماز جمعه و جماعت از پدر اطاعت کرد.

حسن بصری رضی الله عنه می‌گوید: اگر مادری به خاطر دلسوزی، فرزندش را از حضور در نماز جماعت عشاء منع کند، آن فرزند نباید از وی اطاعت کند. تعدادی از کسانی که به واجب بودن آن معتقدند عبارتند از: ابن خزیمه، بخاری، ابن حبان، أبو ثور، ابن حزم، امام داود ظاهری، ظاهریه، ابن قدامه، علامه علاءالدین سمرقندی، امام ابوبکر کاشانی حنفی، و عامه مشایخ حنفیه، ابن منذر، امام ابراهیم نخعی و امام عبدالبر مالکی.

این احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نصوصی از صحابه رضی الله عنهم می‌باشد که دربارهٔ وجوب نماز جماعت در مساجد، و مجازات متخلف از آن به شیوه‌های مختلف آمده است. آتش زدن خانه‌های متخلفین، کشتن، عدم قبولی نماز، تهدید به دخول در آتش جهنم و اتهام نفاق از این مجازات‌ها هستند.

این امر رواج پیدا کرده است و از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رضی الله عنهم به دیگران رسیده است، و حتی از یک صحابی خلاف این امر روایت نشده است. پس آنچه بدان معتقدیم آن است که برای هیچ کس جایز نیست که از حضور در نماز جماعت در مساجد خودداری کند، مگر آنکه عذری داشته باشد.

واجب بودن نماز جمعه و مجازات کسی که از حضور در آن

سرباز می‌زند

نماز جمعه: بر هر مرد مسلمان، بالغ، عاقل، آزاد و مقیمی واجب است که درباره آن دلایل فراوانی مبنی بر وجوب آن و هشدار به کسی که بدون داشتن عذر در انجام آن سستی و تنبلی می‌کند، و از حضور در آن سرباز می‌زند. از جمله دلایل وجوب آن آیه زیر می‌باشد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الجمعة: ۹]. «ای مؤمنان! هنگامی که برای روز جمعه اذان گفته می‌شود به سوی ذکر خدا (خطبه و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید».

خداوند در این آیات به تلاش و شتابیدن به سوی نماز امر کرده است، که این امر به مفهوم وجوب است. واجب شدن شتافتن فقط برای امر واجب است. در این آیات خداوند، [مردم را] از معامله کردن منع کرده است تا به وسیله آن از انجام نماز باز نمانند. چنانچه نماز جمعه واجب نبود، بی‌تردید مردم به خاطر آن از معامله و خرید و فروش نهی نمی‌شدند.

این کثیر رضی الله عنه درباره این آیه می‌گوید: بی‌تردید خداوند، به مؤمنان دستور داده است برای انجام عبادت او در روز جمعه و اهتمام به آن، و تداوم بر آن گرفته‌اند.

جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما خطبه خوانده و فرمود: «اعلموا أنَّ الله قد افترض عليكم الجمعة في مقامي هذا، في يومي هذا، في

شهری هذا، من عامي هذا، إلى يوم القيامة، من تركها في حياتي أو بعدي، وله إمام عادل أو جائر استخفافاً بها أو جحوداً لها، فلا جمع الله شمله ولا برك الله في أمره» «بدانید که بی تردید خداوند نماز جمعه را در چنین جایگاه، روز، ماه، و سالی تا روز قیامت واجب کرده است. هر کس در زمان حیاتم یا پس از آن، با هدف خوار شمردن یا انکار آن، آن را ترک کند، در حالیکه امام عادل یا جائری دارد پس خداوند، کار آشفته آنان را سر و سامان ندهد و امر آن‌ها را بر ایشان خجسته نگرداند»^۱.

از ابوهریره و ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که آن دو از پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی منبرش می‌فرمود: «لینتهین أقوام عن ودعهم الجمعة والجماعات أو لیختمن الله علی قلوبهم ثم لیكونن من الغافلین» «آیا آن گروه‌ها از ترک کردن نماز جمعه و جماعت دست برمی‌دارند، یا خداوند بر قلب‌هایشان مهر می‌زند، سپس بی‌تردید از غافلان خواهند بود»^۲.

امام نووی رحمته الله می‌گوید: (معنای ختم، مهر کردن و پوشاندن است... قاضی عیاض می‌گوید: متکلمان در این باره هم بسیار اختلاف دارند. به او گفته شده است که ختم به معنای از بین رفتن لطف و اسباب خیر است. همچنین به او گفته شده است که به معنای خلق کفر در قلب‌های آن‌هاست، که این نظر بیشتر متکلمین اهل سنت است.

^۱ - ابن ماجه آن را روایت کرده است و اسناد آن ضعیف است.

^۲ - مسلم آن را روایت کرده است.

در حدیث از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمودند: «من ترک ثلاث جمع تهاوناً بها طبع الله علی قلبه». «هر کسی که سه نماز جمعه را به خاطر سستی و تنبلی ترک کند خداوند قلب او را مهر می‌زد».^۱

ابوقتاده رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «من ترک الجمعة ثلاث مرات من غیر ضرورة طبع الله علی قلبه» «کسی که سه بار نماز جمعه را بدون هیچ ضرورتی ترک کند، خداوند قلب او را مهر می‌زند».^۲

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌شود که گفت: «کسی که سه بار متوالی از شرکت در نماز جمعه خودداری کند در حقیقت اسلام را به کناری نهاده است».^۳

از ابن مسعود رضی الله عنه که پیامبر ﷺ به گروهی که از شرکت در نماز جمعه امتناع می‌کردند، فرمود: «لقد هممت أن أمر رجلاً یصلی بالناس ثم أحرق علی رجال یتخلفون عن الجمعة بیوتهم» «بی‌گمان خواستم دستور دهم تا مردی امامت نماز مردم را برعهده گیرد سپس بر کسانی که از حضور در نماز جمعه خودداری می‌کنند، خانه‌هایشان را بر آنان آتش بزنم».^۴

ترمذی از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده است که درباره فردی که به شب زنده‌داری می‌پردازد و روزها را روزه می‌گیرد اما در نماز جمعه شرکت نمی‌کند، از او سؤال شد. ابن عباس گفت: «او در آتش است». که در صفحات قبل نیز ذکر گردید.

^۱ - احمد، ابوداود، نسائی، ترمذی و ابن ماجه آن را روایت کرده‌اند.

^۲ - امام احمد آن را روایت کرده است.

^۳ - ابویعلی آن را به صورت موقوف و با اسناد حسن روایت کرده است.

^۴ - مسلم و حاکم آن را روایت کرده‌اند.

از محمد بن عبدالرحمن بن زراره روایت شده است که گفت از عمویم [یحیی بن سعد بن زراره] شنیدم که گفت: پیامبر ﷺ فرمود: «فمن سمع النداء يوم الجمعة فلم يأتها؛ ثم سمعه فلم يأتها، ثم سمعه فلم يأتها، طبع الله على قلبه وجعل قلبه قلب منافق» «کسی که در روز جمعه سه بار صدای منادی [مؤذن] را بشنود اما آن را اجابت نکند، خداوند بر قلب او مهر خواهد زد و قلب او را تبدیل به قلب منافق خواهد کرد»^۱.

از ام المؤمنین حفصه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «روح الجمعة واجب على كل محتلم» «رفتن به نماز جمعه برای هر فردی که به بلوغ رسیده است واجب است»^۲.

امام اجماع: همه مسلمانان بر واجب بودن نماز جمعه اجماع دارند. ابن المنذر، اجماع علماء بر فرض عین بودن نماز جمعه را ذکر کرده است. ابن عربی مالکی می گوید: با اجماع مسلمانان نماز جمعه، فرض عین است.

ابن قدامه در المغنی می گوید: مسلمانان بر وجوب نماز جمعه اجماع [اتفاق] دارند.

عینی می گوید که از زمان رسول خدا ﷺ تا امروز بر فرض بودن آن بدون هیچ انکاری اجماع دارند.

نووی رحمته الله می گوید: مذهب شافعی بر آن است که نماز جمعه فرض عین است.

^۱ - بیهقی آن را روایت کرده است.

^۲ - نسائی، ابوداود و ابن خزیمه آن را روایت کرده اند. این حدیث صحیح است.

پس ای بنده خدا از نتیجه تساهل در نماز جمعه پرهیز کن، و بترس که این امر بسیار خطیر و مهم است.

ای برادر مسلمان و فاضل بدان که غایت و هدف از وجود ما در این زندگی فانی، همان عبادت خداوند - عزّ وجل - می باشد. خداوند تعالی می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶-۵۷]. «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند و هرگز از آن ها روزی نمی خواهم، و نمی خواهم مرا اطعام کنند».

این تصریح پروردگار - عزّ وجل - به آن است که آن ها برای عبادت او آفریده شدند. پس باید به آنچه برای آن آفریده شده اند، اهتمام ورزند و از دنیای فانی که پایان پذیر و محل عبور است روی گرداند.

برادرم تو را به تقوای خدا - عز وجل - و محافظت بر نمازهای پنجگانه در مساجد توصیه می کنم. خداوند تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۲]. «ای مؤمنان، آنگونه که حق تقوی و پرهیزکاری است از خدا بپرهیزید».

بدان عمر تو در حال کم شدن و نه زیاد شدن است، و بدان که توبه واجب است. خداوند تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾ [التحریم: ۸]. «ای مؤمنان! به سوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص».

در پایان می گوییم: ای برادر مسلمانم، از خداوند تعالی می خواهم که سینهات را بگشاید، و قلبت را نورانی نماید، و تو را به راه حق هدایت، و در برپاداشتن نماز جماعت کمک کند، که او بر انجام هر امری تواناست.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین